

سید احمد موسوی

خبرنگار

چندین دهه است که ایران میزبان جمعیت میلیونی مهاجران است، حضوری که بدون تردید پیامدها و آثار فراوانی را در عرصه‌های مختلف

گزارش یک طرح شکست خورده که کسی تبعات آن را نمی‌پذیرد

۱۰۰ میلیون تومان سال ۱۴۰۱ مهاجران کجاست؟

مصادق‌های عینی این موضوع طی چند دهه اخیر کم نبوده‌اند، اما بدون شک طرح بزرگ و به قولی ابر طرح «جذب و مدیریت سرمایه‌های خرد و کلان اتباع و مهاجرین خارجی» را که به طرح سپرده‌گذاری ۱۰۰ میلیونی هم معروف شده باید یکی از برجسته‌ترین نمونه‌ها در این زمینه تلقی کرد؛ طرحی که با هیاهو، تبلیغات و جنجال‌های فراوان آغازششد و درنهایت عمر اجرای آن از دو سال فراتر نرفت.



نگاهی به ماهیت و اهداف طرح جذب و مدیریت سرمایه‌های خرد و کلان اتباع

برای اجرای طرح به طور مختصر این موارد را شامل می‌شدند؛ اصل توانمندسازی، اصل مقابله با پول‌شویی، اصل شفافیت، اصل رعایت منافع مشترک، اصل قانون‌مداری، اصل کارآفرینی، اصل رعایت حقوق دولت و اصل خدمات صادقانه و کرامت آمیز به مهاجران.
براین اساس هریک از طرف‌های امضاکننده تفاهم نیز بر جوانب مختلف مزایای این طرح پافشاری داشتند چنان‌که احمد وحیدی، وزیر کشور وقت، در تشریح اهداف و فوائد این تفاهم‌نامه تأکید می‌کند که در این چهارچوب مهاجران می‌توانند منابع مالی و درآمدی خود را در بانک ذخیره کرده و سرمایه‌ایشان را در امر تولید و فعالیت‌های اقتصادی به کار گیرند. وی حتی از امکان شراکت مهاجران در سود این سپرده‌گذاری‌ها خبر می‌دهد.

طرح «جذب و مدیریت سسرمایه‌های خسرد و کلان اتباع و مهاجران خارجی» نخستین بار در ۱۲ تیرماه ۱۴۰۲ و با امضای تفاهم‌نامه‌ای میان سازمان ملی مهاجرت به نمایندگی از وزرات کشور جمهوری اسلامی ایران، بانک ملی و یک شرکت کارآفرین داخلی با نام «مدیریت زنجیره تأمین دانش» افر اعلام موجودیت کرد.

در توضیح این طرح ذکر شده بود که تفاهم‌نامه حاضر به منظور مدیریت منابع مالی و سرمایه‌گذاری اتباع خارجی (عمدتاً افغانستانی) در زنجیره تأمین صنایع ایران و توانمندسازی اتباع جامعه هدف، منعقد شده است. بنا بر اطلاعیه‌ها و بروشورهایی که از سوی سازمان مهاجرت، بانک ملی و شرکت کارآفرین ذی‌نفع منتشر شد، اهداف و انتظارات ترسیم شده



یکشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۴



شماره ۴۴۰۲



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE

جامعه هدف و شرایط اجرایی طرح

اتباع و مهاجران خارجی که عمدتاً اتباع افغانستانی را در بر می‌گرفتند، جامعه هدف این طرح تلقی می‌شدند. البته دراین‌بین نکته مهم آن بود که طرح مذکور تمامی اتباع خارجی و با مدارک قانونی، اعم از کارت آمایش، کارت هویت، افراد دارای مدارک پناهندگی، پاسپورت معتبر، برگه‌های سرشماری و بازشماری را در بر می‌گرفت؛ با این ملاحظه که در مرحله ابتدایی افراد دارای برگه سرشماری و بازشماری در اولویت قرار دارند. اما به لحاظ اجرایی هیچ‌گونه محدودیت زمانی برای طرح اعلام نشد و به سه شکل نیز قابل اجرا دانسته شد؛ اول پرداخت نقدی و کامل که باعث برخورداری آنی از تمامی مزایا می‌شد. دوم پرداخت در اقساط ۱۰ ماهه و ۱۰ میلیون تومانی و سوم پرداخت در اقساط ۲۰ ماهه و پنج میلیون تومانی. برای هر دو مورد آخر کفی در پرداخت برای بهره‌گیری از مزایا در نظر گرفته شده بود.
در رابطه با مبلغ پرداختی نیز برای هر خانوار ۱۰۰ میلیون تومان سپرده‌گذاری لازم بود، البته با این شرایط که برای افراد ذکور بالای ۱۸ سال هر خانواده نیز باید ۱۰۰ میلیون تومان دیگر واریز می‌شد. به این ترتیب یک خانواده پنج‌نفره با دو پسر بالای ۱۸ سال، باید حداقل ۳۰۰ میلیون سپرده‌گذاری انجام می‌دادند.
باین حال در مورد نحوه پرداخت و حتی مبلغ طرح، عملکرد استان‌ها متفاوت و تقریباً به شکلی خودمختار بوده است، کمالاتکه در استان تهران مبلغ در خواستی تا ۱۵۰ میلیون تومان هم در نظر گرفته شده بود. موضوع اختیاری یا عدم اختیاری بودن مشارکت در طرح نیز نکته مبهم دیگری بود که با پاسخ‌های متفاوتی مواجه می‌شد. در حالی‌که برخی مقامات رسمی مشارکت در طرح را کاملاً اختیاری عنوان می‌کردند؛ در عمل بسیاری از نمایندگی و دفاتر کفالت، به اتباع دارای برگ سرشماری و بازشماری همدار می‌دادند که عدم ثبت‌نام به معنای اخراج از کشور در سریع‌ترین زمان ممکن خواهد بود.

نکات و ابهامات باقی‌مانده در طرح مدیریت سپرده‌گذاری اتباع

درجه‌ای نمی‌تواند دلیلی جز آن داشته باشد که طرح از همان ابتدا بر مبنایی اصولی و کارشناسی پایه‌ریزی نشده بود؟ از سوی دیگر، کنار گذاشتن فوری طرحی با این عظمت و آثار متعدد اجتماعی در داخل و خارج، یکبار دیگر نشان می‌دهد که سیاست‌ها و رویکردها در ایران تا چه حد می‌تواند انفرادی و سلیقه‌ای انجام گیرد، آن هم در شرایطی که به مدت کوتاهی قبل از این تغییر جهت، فردی که در جایگاه رئیس سازمان مهاجرت و در رأس امور مرتبط با مهاجران قرار داشت، بر تصمیم قاطع نظام برای اجرا و پیگیری طرح تأکید می‌کرد.

نکته دوم آن که نحوه خروج از این طرح با اهداف پیشین اعلام شده مبنی بر حفظ کرامت و شأن انسانی مهاجران همخوانی ندارد. در اینکه به یک طرح احتمالاً ناکارآمد و دارای نقص‌های فراوان باید پایان داد، تردیدی نیست؛ اما این نحوه پایان‌دادن بدون اطلاع‌رسانی و یا درنظرگرفتن یک محدوده زمانی برای کسانی که به برنامه‌های دولت جمهوری اسلامی ایران احترام گذاشته و در آن مشارکت کرده‌اند، آیا می‌تواند شایسته باشد؟ آیا چنین اقداماتی شتابزده نمی‌تواند طرح‌ها و برنامه‌های آینده جمهوری اسلامی در زمینه جذب سرمایه‌های خرد و کلان خارجی را با ابهام و بی‌اعتباری مواجه کند؟

ملاحظه دوم به چگونگی و کیفیت بازگرداندن سرمایه‌گذاری‌های این طرح باز می‌گردد. بنا بر اعلام منابع وزارت کشور، بانک‌های ملی موظف به بازگرداندن سپرده افراد سرمایه‌گذار هستند و این امر باید در مدت زمانی کوتاه یعنی نهایتاً تا ۱۵ تیرماه (به جز برخی استثنای‌های اعلام شده که ارتباطی هم با طرح سرمایه‌گذاری ندارند)، تحقق پیدا کند. اما دقیقاً معلوم نیست که بانک ملی این سرمایه را به چه شکل عودت خواهد داد؛ آیا همه سرمایه یکجا بازگردانده خواهد شد یا ترتیبات دیگری در نظر گرفته خواهد شد؟ اگر بر مبنای طرح، این سرمایه‌ها در صنعت و امور زیربنایی و اشتغال‌آفرینی سرمایه‌گذاری شده باشند، آیا امکان عودت آن‌ها با این سرعت وجود دارد؟ در این زمینه فقط دو مسیر محتمل وجود

نظام را در این حوزه تعیین کند. براین اساس هر دولتی به فراخور رویکردهای سیاست‌گذاری خود و همچنین شرایط مقطعی کشور، سیاست‌ها و برنامه‌هایی را اعلام کرده که اغلب با روی کار آمدن دولت بعدی و تغییر نظرات و رویکردها، کنار گذاشته شده و به بایگانی سیاست‌ها و برنامه‌های شکست خورده یا ناتمام قبلی افزوده شده‌اند.

سازمان ملی مهاجرت نیز در اطلاعیه‌های پیاپی بر فواید متعدد این طرح مهر تأیید می‌زند. از سوی دیگر مدیرعامل «بانک ملی» در اظهاراتی مشابه، از قابلیت این طرح در جذب سرمایه‌های راكد اتباع خارجی و مهاجران مقیم ایران در راستای رشد تولید و اقتصاد کشور و همچنین بهره‌گیری اتباع از تسهیلات آن به‌خصوص در یافت خدمات بانکی و دریافت «سود مشارکت» در طرح‌های تولیدی و اقتصادی خبر می‌دهد.
اما دراین‌بین به نظر می‌رسد شرکت کارآفرینی «مدیریت زنجیره تأمین دانش» به‌عنوان یکی از طرف‌های ذی‌نفع، بار اصلی تبلیغات این طرح را بر دوش می‌کشد. شرکت مذکور در تبلیغات خود از یک «ابر طرح ملی» سخن می‌گوید که از ظرفیت ایجاد سالانه ۱۰۰ هزار فرصت شغلی و

سازمان ملی مهاجرت نیز در اطلاعیه‌های پیاپی بر فواید متعدد این طرح مهر تأیید می‌زند. از سوی دیگر مدیرعامل «بانک ملی» در اظهاراتی مشابه، از قابلیت این طرح در جذب سرمایه‌های راكد اتباع خارجی و مهاجران مقیم ایران در راستای رشد تولید و اقتصاد کشور و همچنین بهره‌گیری اتباع از تسهیلات آن به‌خصوص در یافت خدمات بانکی و دریافت «سود مشارکت» در طرح‌های تولیدی و اقتصادی خبر می‌دهد.
اما دراین‌بین به نظر می‌رسد شرکت کارآفرینی «مدیریت زنجیره تأمین دانش» به‌عنوان یکی از طرف‌های ذی‌نفع، بار اصلی تبلیغات این طرح را بر دوش می‌کشد. شرکت مذکور در تبلیغات خود از یک «ابر طرح ملی» سخن می‌گوید که از ظرفیت ایجاد سالانه ۱۰۰ هزار فرصت شغلی و

دلایل ناکامی و توقف اجرای طرح سپرده‌گذاری اتباع

طرح «جذب و مدیریت سسرمایه‌های خرد و کلان اتباع و مهاجران خارجی» از همان ابتدا با انتقادات وسیعی هم در حوزه اهداف و هم در حوزه اجرایی مواجه شد. در حوزه اهداف بسیاری مقاصد اعلام شده در این طرح را اغراق آمیز، ناممکن و حتی توأم با شعارزدگی دانستند. اینکه چطور با چنین سرمایه‌گذاری‌های نه‌چندان کلان، بتوان ده‌ها هزار شغل ایجاد کرد و یا بتوان باعث توسعه قابل ملاحظه یک استان شد، به‌واقع محل تردیدهای جدی بود. درعین حال بحث حفظ کرامت و شأن مهاجران به واسطه چنین سرمایه‌گذاری‌هایی نیز نامفهوم و توأم با شعارزدگی به نظر می‌رسید. بحث مهم‌تری هم در حوزه سرمایه‌گذاری وجود داشت، این که در سایه چنین اقدامی سرمایه‌های بیرون از کشور جذب نمی‌شد، بلکه این مهاجران داخل بودند که باید به هر طریق ممکن و بعضاً با فشار بر معیشتشان، این سرمایه را فراهم می‌کردند؛ به‌ویژه آنکه اغلب آنها به لحاظ اقتصادی در تنگنا قرار داشته‌ یا سسرمایه و دارایی‌شان را در افغانستان بر جای گذاشته بودند. اما مسئله مهم دیگری که در ناکامی طرح نقش مهم ایفا کرد، بازتاب نامناسب آن در داخل کشور بود.
باتوجه به رقم بالای حضور مهاجران در کشور از یکسو و ابهامات موجود در روند اطلاع‌رسانی در مورد طرح، شایعات فراوانی در پیرامون آن به وجود آمد؛ این که برخی آن را با اعطای شناسنامه و اقامت دائمی به مهاجران برابر دانستند و یا آن را اسبابی برای تبلیغات انتخاباتی قرار دادند. درنهایت نباید سردرگمی‌های موجود در حوزه اجرایی را هم نادیده گرفت، به‌طور مثال نوع مدارک و آینده اقامت اتباع مشارکت‌کننده در این طرح کاملاً نامعلوم بود، چنان‌که در ابتدای امر صحبت از صدور دفترچه اقامت برای این افراد مطرح شد و مدتی بعد کارت اقامت سپرده‌گذاری هوشمند به‌عنوان جایگزین در نظر گرفته شد. البته از اعطای کارت هوشمند ویزه اتباع هم هم‌زمان با این تحولات صحبت به میان آمد که دقیقاً روشن نیست آیا مشارکت‌کنندگان در طرح سپرده‌گذاری را نیز در بر می‌گیرد یا خیر؟

افراد در استان‌های مختلف باید مورد راست‌آزمایی قرار گیرد. اما اگر این ادعاها درست باشد، باید دید مبالغ دریافتی که البته رقم ناچیزی هم نیست، به چه سرنوشتی دچار شده‌اند؟ برای درک رقم هنگفت مبالغ اخذ شده برای بیمه اتباع، شاید همین مقدار محاسبه ساده کافی باشد که اگر در نظر بگیریم حداقل ۲۰۰ هزار نفر تحت پوشش بیمه قرار گرفته باشند (که با توجه به الزامی بودن بیمه سرپرستان خانوار و احتمال بیمه سایر اعضای خانواده، قطعاً رقم افراد بیمه‌شده بیش از این خواهد بود)، مبلغی نزدیک به یک همت (هزار میلیارد تومان) پرداختی اتباع از جهت بیمه بوده است، حالا باید دید طرف قرارداد بیمه چه شرکت و یا شرکت‌هایی بوده‌اند؟ به چه میزان به تعهدات خود پایبند بوده‌اند؟ و در نهایت چه کسی باید در قبال این مبالغ کلان پاسخگو باشد؟
در نهایت و باتوجه به این که به بر سسر این طرح آمده است، شاید لازم باشد تا در عملکرد و نقش طرح این برنامه سرمایه‌گذاری یعنی شرکت کارآفرینی «مدیریت تأمین زنجیره دانش» تعمق بیشتری صورت گیرد. این شرکت به‌عنوان طراح اصلی این سرمایه‌گذاری، تبلیغات وسیعی و بعضاً خلاف واقعی پیرامون آن به راه انداخت. آیا نباید از این شرکت در مورد ابعاد طرحی که به یک ناکامی و خسران مطلق انجامیده است، درخواست پاسخ‌گویی داشت؟ در این شرایط، سکوت شرکت در مورد توقف طرح نیز می‌تواند تأمل برانگیز باشد؛ این که اساساً شرکت از ارانه و اجرای این طرح چه سود و زبانی برده است؟ آیا توقف این طرح برای شرکت و سسرمایه‌گذاری کارآفرینانه آن در به اصطلاح ابر طرح ملی، هیچ‌گونه زبانی به همراه نداشته است؟ این را در نظر بگیریم که هر شرکتی اگر در موقعیت جدید و توقف پروژه قرار می‌گرفت، بدون شک با خسارت و ورشکستگی بزرگی مواجه می‌شد. اما در مورد اخیر، سؤال مهم این استست که آیا اساساً چنین خسارتی به وجود نیامده و یا آن که دولت متعهد به رفع خسارت شده است؟

دارد؛ یا بودجه این کار که البته رقم کمی هم نیست، از محل‌های دیگری تأمین گردد و یا این که اساساً و برخلاف اهداف طرح، سرمایه‌گذاری‌ها در مسیر و برنامه‌های از پیش تعیین شده هدایت نشده و یا به صورت راكد باقی مانده باشند. مورد دیگر آن که در زمان اعلام و اجرای طرح، وعده‌هایی در مورد مشارکت اتباع در سود سرمایه‌گذاری داده شده بود. در این شرایط، اکنون باز پرداخت سرمایه به چه شکل خواهد بود؟ آیا برخلاف برنامه‌ها و وعده‌های اولیه اعلام شده، صرفاً اصل پول بازگردانده خواهد شد و وعده سود سپرده در نظر گرفته نخواهد شد؟
نکته سوم آن که بنا بر اعلام و تأکید مجریان، افراد مشارکت‌کننده در این طرح از مزایای مهمی همچون بیمه‌های درمانی، حوادث و یا سرمایه‌گذاری بر خوردار بوده‌اند. آن‌گونه که از منابع مهاجران نیز اطلاع‌رسانی شده است، در ازای هر مشارکت و سپرده‌گذاری ۱۰۰ میلیون تومانی، مبلغ ۵ میلیون تومان نیز از هر خانواده و یا عضو مذکر بالای ۱۸ سال خانواده با حق بیمه اخذ شده است. در عین حال، بسیاری از این سپرده‌گذاران نسبت به بیمه تمامی اعضای خانواده نیز اقدام کرده بودند. در پرسش و پاسخی که با تعدادی از این مهاجران انجام گرفت، آن‌ها رقمی در حدود ۳/۵ میلیون تومان نیز برای بیمه هر عضو خانواده پرداختی داشته‌اند. همه این‌ها در شرایطی انجام گرفته است که اغلب مهاجران از عدم پذیرش این بیمه از سوی مراکز درمانی و بهداشتی گلایه داشته‌اند.
در این راستا، یکی از مهاجران در پاسخ به پرسشی در این زمینه تأکید دارد که سندن بیمه وی نه تنها از سوی هیچ یک از مراکز درمانی پذیرفته نشده، بلکه حتی مورد تمسخر هم قرار گرفته است. یکی دیگر از بیماران می‌گوید که پس از مراجعه به بیمارستان به منظور درمان یکی از اعضای خانواده، به آن‌ها اطلاع داده شده که اساساً چنین بیمه‌ای در هیچ جا ثبت نشده و مورد تأیید قرار نگرفته است. بدون شک صحت و سقم این ادعاها و یا شرایط پوشش بیمه این